



▣ **طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب «مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه مکتب اسلام است»**، **به‌اجمال به انواع کارکردهای مهم مساجد اشاره نموده و در ادامه بفرمایید که کدام بخش از این کارکردها، اهمیت بیشتری دارد و باید نسبت به آن اهتمام بیشتری ورزید.**

● مسجد با اهمیت فوق‌العاده‌ای که در مکتب ما دارد، متأسفانه آن چنان که شایسته و بایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. مساجد کشور و تعداد مساجدی را که فعال یا نیمه‌فعال و یا تعطیل هستند، مشاهده کنید تا اهمیت این موضوع روشن شود که ما با این سرمایه نفیس و ارزشمند چه کرده‌ایم و حداقل این است که کم‌توجه هستیم. نمی‌گویم که بی‌توجه هستیم، نه، مساجد فعال و بانشاطی هم در سراسر کشور داریم؛ ولی در نگاه کلان، عنایتی که بایسته است، به این سرمایه نشده است. این تعبیری که از مقام معظم رهبری نقل کردید، گوشه‌ای از جایگاه عظیم مسجد در نگاه معظم‌له است. مسجد مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه است. این دو جمله، گویای جایگاه مساجد است. من اجازه می‌خواهم که جایگاه مسجد را با دو روایتی که از مولا علی و سالار شهیدان علیه‌السلام، است، بخوانم و عرض کنم که مسجد چگونه باید باشد. این دو روایت، روایات بسیار جامعی هستند که جایگاه و اهمیت مسجد را نشان می‌دهد.

۱. روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ علیه‌السلام قَالَ: خَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الضَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِثْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَعْدِ الْأَشْكَافِ عَنْ الْأَضْبَعِ بْنِ ثَبَّانَةَ عَنْ عَلِيٍّ علیه‌السلام أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَحَا مُسْتَفْتَادًا فِي اللَّهِ أَوْ عِلْمًا مُسْتَظْلَفًا أَوْ آيَةً مُخَكَّمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَزُودُهُ عَنْ رِذَى أَوْ تَسْمَعُ كَلِمَةً تَذُلُّهُ عَلَى هُدًى أَوْ تُبْرِكُ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ خِيَاءَةً

- ترجمه حدیث: علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هر کس پیوسته یا در وقت هر نماز، به طرف مساجد روان باشد، یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: برادری که در راه خدا مورد استفاده او باشد، یا طرّف دانشی که از زبده‌های علم باشد، یا نشانه محکمی که در راه حقّ او را استوار سازد، یا رحمتی از طرف حقّ که در انتظار او بوده، یا کلمه و سخنی که او را از بدی باز دارد، یا شنیدن جمله‌ای که او را به راه خیر و نجات راهنمایی کند، یا گناهی را از ترس خدا ترک نماید، و یا آنکه از سر شرم و حیا، گناهی را ترک کند. (این فوائد همه در رفتن به مسجد است).

- **بیان مطلب:** کسی که به مسجد رفت و آمد کند، یکی از هشت چیز را به دست می‌آورد. معنای این کلام مولا این است که کارکرد مسجد این‌هاست و باید مسجد را به‌گونه‌ای ساخت که حداقل یکی از این کارکردها یا همه اینها در مسجد تحصیل بشود.

۱. «أَحَا مُسْتَفْتَادًا فِي اللَّهِ»؛ یکی آن است که برادر دینی مفیدی به دست آورد؛ یعنی مسجد باید کانونی باشد که محل جذب دین‌مداران است.

۲. «أَوْ عِلْمًا مُسْتَظْلَفًا»؛ دوم این‌که دانش جدیدی به دست بیآورد. جالب این است که تعبیر علم دینی نیاورده است. «أَوْ عِلْمًا مُسْتَظْلَفًا»؛ یعنی پراستعدادترین‌ها در تمام رشته‌ها باید مسجدی‌ها باشند. «علِمًا مُسْتَظْلَفًا»، به‌معنای دانش جدید است؛ یعنی در عرصه ریاضی، فیزیک، شیمی، رسانه و دیگر عرصه‌ها باید مسجد کانون جذب آن‌ها باشد. «أَوْ عِلْمًا مُسْتَظْلَفًا»؛ یعنی مسجد کانون برجستگان این چنینی هم باشد. نماز اول وقت را می‌خواند و بعد در کلاس مربوطه در مسجد و یا خارج

از مسجد شرکت می‌کند و از این «عِلْمًا مُسْتَظْلَفًا» چنین استفاده می‌کنیم که در عرصه‌های مورد نیاز جامعه باید مسجدی‌ها برترین باشند.

۳. «أَوْ آيَةً مُخَكَّمَةً»؛ سومین بهره‌ای که اهل مسجد می‌برند، مسألّه تحکیم اعتقادات است. مسجد باید کانون تحکیم مبانی اعتقادی باشد. مسجد کانون پاسخگویی به شبههائی است که دشمن دم به دم القا می‌کند. مسجد باید کانون پاسخگویی به این شبهات باشد. «أَوْ آيَةً مُخَكَّمَةً».

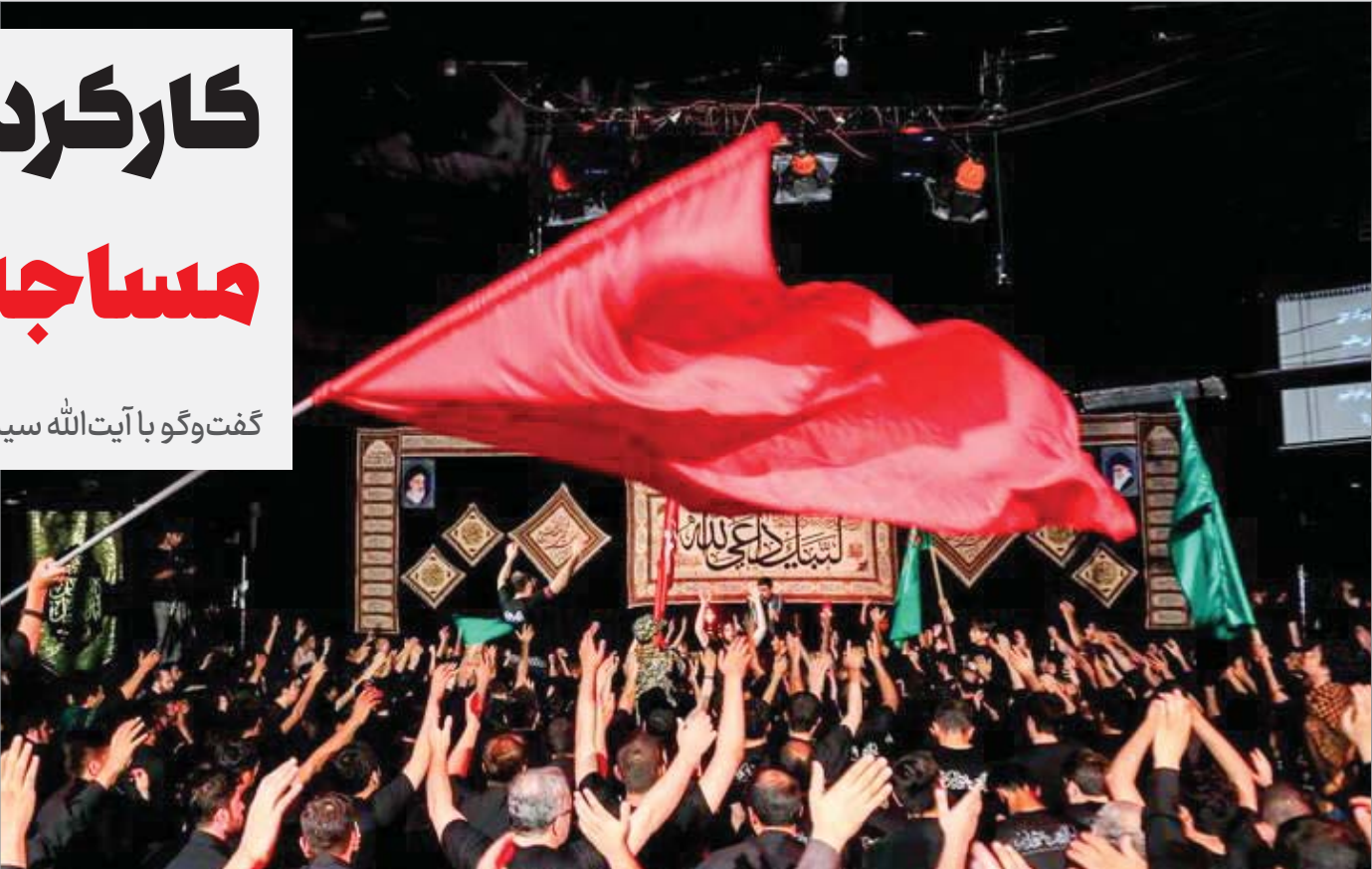
۴. «أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً»؛ چهارمین برکت مسجد این است که رحمت منتظره نصیب اهل مسجد خواهد شد. به نظر می‌رسد که معنای این فراز این باشد که این مجموعه‌ای که می‌آیند و خدا خدا می‌کنند، اگر در بین آن‌ها حتی یک نفر خالصانه خدا خدا کند، این رحمت، منتشر بر همه آن‌ها می‌شود و این از برکات مسجد است.

۵. «أَوْ كَلِمَةً تَزُودُهُ عَنْ رِذَى»؛ یا سخنی که او را از هلاکت می‌رهاند، نصیب اهل مسجد می‌شود. معنای این جمله این است که مسجد باید کانون جهاد تبیین باشد. چه امام جماعت، چه کسانی که امام جماعت آنها را دعوت می‌کند، باید انحرافات را شناسایی کنند و به جوانان بگویند که مسائل انحرافی اینهاست.

به‌عنوان نمونه، جریانی که تلاش می‌کنند تا مردم در انتخابات شرکت نکنند یا مردم را نسبت به نظام اسلامی کم‌اعتنا کنند، باید شناسایی شوند و این گوینده یا امام جماعت و یا دیگری، مستند و مستدل پاسخ این شبهات را بدهد و جریان انحرافی را رسوا کند. مسجد باید کانون این حرف‌ها باشد. مسجدی که کانون حرف‌های ضدانقلاب است، این مسجد، مسجد ضرار است. مسجدی که خانه تیمی برای منحرفان است، این مسجد، مسجد ضرار است. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَتَفَرُّقًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِضَاعًا لِمَنْ خَازَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَادْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»

- ترجمه آیه: و [از منافقان] کسانی هستند که بر پایه دورویی و نفاق، مسجدی ساختند، برای آسیب رساندن و ترویج کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاهی برای [گردآمدن] کسانی که پیش از این با خدا و پیامبرش جنگیده بودند، سوگند سخت می‌خورند که ما با ساختن این مسجد، جز خوبی (و خدمت) قصدی نداشتیم؛ ولی خدا گواهی می‌دهد که بی‌تردید آنان دروغ‌گویند. این چنین مسجدی کمین‌گاه دشمنان خداست. منافقین می‌خواستند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین جایی را افتتاح کنند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: وقتی از جنگ تبوک برگردم، تصمیم می‌گیرم. از جنگ تبوک برگشتند و آیه نازل شد که: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أَتَيْتُمْ عَلَى الثَّقَوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَخَفَّضُوا لِلَّهِ يُحِيطُ الْمَظْهَرِينَ»^۱. این مسجد، افتتاح‌کردنی نیست، اقتضاح‌کردنی است. طبق نقل مجمع‌البیان دستور داد، این مسجد را خراب کردند و به این هم اکتفا نکرد و فرمود که آنجا را زباله دانی کنید.^۲

۶. «أَوْ تَسْمَعُ كَلِمَةً تَذُلُّهُ عَلَى هُدًى»؛ یا کلامی را می‌شنود که راه هدایت را به او نشان می‌دهد. مسجد باید کانون درس اخلاق باشد. درس اخلاق هم که می‌گویم، همان است که این روایت می‌گوید که «تَذُلُّهُ عَلَى هُدًى»؛ راه زندگی را به فرد نشان می‌دهد. انسان نیاز به موعظه دارد، همه نیاز به موعظه دارند. وقتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جبرئیل می‌فرماید: «عظنی»؛ موعظه‌ام کن، برای چیست؟ برای این است که توجه داشته باشیم که نیاز به موعظه داریم. بدون موعظه قلب می‌میرد. در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه است که: «أَخِي قَلْبُكَ بِالْمَوْعِظَةِ».



مقدمه: مساجد، مهم‌ترین نهاد اجتماعی جامعه اسلامی، از صدر اسلام تا به امروز محور فعالیت‌های اجتماعی، گروهی و تربیتی بوده است و از زمان بنیان‌گذاری مساجد اسلامی توسط نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نه‌تنها به‌صورت شکلی متحول شده‌اند؛ بلکه از نظر فرهنگی-اجتماعی و تربیتی نیز، هویت جدیدی پیدا کرده است. جملات و سخنان کلیدی معمار کبیر انقلاب؛ امام خمینی ره همانند «مسجد مرکز اجتماع سیاسی است، مسجد یک سنگر اسلامی است و محراب و محل جنگ است و نهضت از راه مساجد که دزهای محکم اسلامند، زنده مانده است. مسجدها را خالی نکنید. مسجد مرکز تبلیغ است. ای روشن‌فکران! مسجد ها را حفظ کنید، روشن‌فکر غربی نباشید؛ ای حقوقدان‌ها! مسجدها را حفظ کنید، سعی کنید که مساجد ما به مساجد صدر اسلام برگردد و توجه داشته باشید، حفظ مساجد امروز جزو اموری است که در اسلام مهم است»^۱، بیان‌گر اهتمام بنیان‌گذار انقلاب به جایگاه مسجد دارد.

حال سؤال این است، امروز با توجه به اینکه فضاهای مجازی با این گستردگی و امکاناتی را که در اختیار آحاد مردم قرار می‌دهد، مساجد و هیئات مذهبی در این زمانه چه کارکردهای اجتماعی و تربیتی می‌تواند داشته باشد؟

آیت‌الله سیداحمد خاتمی، عضو فقهای شورای نگهبان و هیأت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری، در گفت‌وگویی با هفته‌نامه افق حوزه به این سؤال پاسخ گفته است.

۷ و ۸ «أَوْ تُبْرِكُ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ خِيَاءَةً» آمد و شد به مسجد سبب می‌شود که انسان گناهان را ترک کند؛ از ترس، یا از شرم و خیاء. رفت و آمد به مسجد و حشر و نشر با خوبان، این برکت را هم خواهد داشت که اهل مسجد بنده خدا می‌شود.

۲. روایتی از حسین بن علی علیه‌السلام:

- متن روایت: «الإمام الحسين علیه‌السلام قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: مَنْ أَدَمَّنَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ الْخِصَالِ الثَّمَانِيَةَ: آيَةً مُحَكَّمَةً، أَوْ فَرِيضَةً مُسْتَعْمَلَةً، أَوْ سُنَّةً قَائِمَةً، أَوْ عِلْمًا مُسْتَظْرَفًا، أَوْ أَحَا مُسْتَفَادًا، أَوْ كَلِمَةً تَذُلُّهُ عَلَى هُدًى أَوْ تَزُودُهُ عَنِ رِذَى وَتُرِكَ الذَّنْبُ خَشِيَةً أَوْ خِيَاءَةً.

- ترجمه روایت: امام حسین علیه‌السلام : رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «هر که پیوسته به مسجد رود، به هشت چیز دست یابد: آیینی محکم، یا فرضیه‌ای عمل‌شده، یا سنتی جاری [از معصومان]، یا دانشی تازه، یا برادری که به دست آورده، یا سخنی که او را هدایت کند، یا از هلاکت برهاندش و گناه را از سر ترس یا شرم ترک گوید.

روایت دیگری هم از سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه‌السلام با همین مضمون در جوامع روایی ما نقل شده است که ایشان از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که: «مَنْ أَدَمَّنَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ الْخِصَالِ الثَّمَانِيَةَ»؛ کسی که پیوسته به مسجد برود، به ۸ چیز دست می‌یابد.

۱. «آيَةً مُحَكَّمَةً» که اعتقادات بود و گفته شد.

۲. «أَوْ فَرِيضَةً مُسْتَعْمَلَةً» یعنی این فرد با انس به مسجد، تکالیف واجب خودش را شناسایی می‌کند، اعم از تکلیف فردی، تکلیف اجتماعی، تکلیف سیاسی، تکلیف اقتصادی و... و این یک واقعیتی است که همه باید تکالیف واجبش را در عرصه‌های مختلف بدانند. اگر ما اسم این «فَرِيضَةً مُسْتَعْمَلَةً» را بخشی از سبک زندگی دینی بنامیم، سخنی به‌گراف نگفته‌ایم.

۳. «أَوْ سُنَّةً قَائِمَةً»؛ یا آن است که سنتی جاری را می‌آموزد که اشاره به مسائل اخلاقی است. مساجد باید کانون درس اخلاق در ابعاد مختلف باشند.

ماحصل پاسخ به سؤال اول این شد که متأسفانه فعالیت مساجد منحصر به اوقات نماز شده و گاه برخی هم در اوقات نماز بسته است و این کار غلطی است. فعالیت مساجد باید دائمی و با یک برنامه‌ریزی جامع باشد. مساجد باید کانون‌محور باشند و کسانی که مدیریت مساجد را دارند، باید به این کانون‌ها توجه کنند. این‌که در کنار کارام یک نماز بخوانیم و برویم، این مسجدداری نیست. مسجدداری این است که پیش‌نماز محترم ما که خواهیم گفت، مدیر مسجد نیز هست، برنامه‌ریزی کند که این کانونی که مردم با عشق ساخته‌اند، از آن استفاده حداکثری شود. امام محترم جماعت، هیأت امنا، بسیج، کانون فرهنگی، همه آن‌هایی که در مسجد نقش دارند، باید حداکثر استفاده معنوی را از مسجد داشته باشند.

▣ **آیه ۱۸سوره توبه ﴿إِنَّمَا يَتَقَرَّبُ الْمَسَاجِدَ اللَّهُ مِنْ أَقَمَنَ بَالِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾، به‌تعبیری معروف‌ترین آیه قرآن در خصوص خادمان مساجد است. با توجه به این آیه و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام، درباره اهمیت خدمت در مسجد به نمازگزاران و عزاداران توضیحاتی بفرمایید و در ادامه بفرمایید که مردم و مسئولان برای ارتقای منزلت خادمان مساجد چه وظیفه‌ای دارند؟**

● اولان آیه شریفه جایگاه آبادکنندگان مساجد را بیان می‌کند که مؤمنان به خدا و قیامت و اهل نماز و زکات و کسانی که جز از خدا از کسی دیگر هراس ندارند، این‌ها به آباد کردن مساجد می‌پردازند. عمران بر دو قسم است: یکی عمران فیزیکی است و یکی عمران فرهنگی است.

کارکردهای اجتماعی و تربیتی

مساجد و هیئات مذهبی

گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد خاتمی، عضو فقهای شورای نگهبان

و آیه شریفه اطلاق دارد؛ هم عمران فیزیکی مساجد را دربرمی‌گیرد و هم عمران فرهنگی مساجد را دربردارد.

نیازی به توضیح نیست که مسجد خانه معنوی مردم است. این خانه معنوی هرچه مجهزتر باشد، در عرصه معنویت مؤثرتر خواهد بود. اختصاصی هم به ماه رمضان ندارد. این سنت خوبی که در دهه آخر ماه شعبان مساجد را برای نمازگزاران آماده می‌کنند، کار خوبی است؛ لکن باید مسجد همیشه آباد و تمیز و معطر باشد. الحمدلله اخیراً توجه به مساجد بیشتر شده است؛ ولی این‌که از فرش‌های مسجد بوی نامطبوع به مشام برسد، در شأن مسجد نیست و باید سالی چندبار مساجد غبارروبی شوند. «أَنْ تَظْهَرَا بَيْنَتِي لِلظَّالِمِينَ وَالْعَاقِبِينَ وَالزَّكَّعَ الشُّجُورَ»^۱ ولی به عمران فرهنگی مسجد هم، باید بها داد؛ به‌دلیل آن‌که در این آیه بیان شده: «وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ». این عبارت به چه معناست؟ اگر فقط عمران فیزیکی بود، «لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ» برای چیست؟ به نظر می‌رسد که آیه شریفه، نظر به عمران فرهنگی هم دارد؛ یعنی هر آنچه که این آمد و رفت‌کنندگان به مسجد به‌خصوص جوانان نیاز دارند، در عرصه فرهنگی مسجد تأمین کند، در عرصه بصیرت‌افرایی، گفتنی‌ها را در مسجد بشنوند، در عرصه جهاد تبیین و بیان مصادیق جهاد تبیین فعالیت شود.

▣ **مردم و مسئولان برای ارتقای منزلت خادمان مساجد چه وظیفه‌ای دارند؟**

● به نظر من مهم‌ترین وظیفه این است که خدمت به مسجد را یک کار مهم بدانیم. این‌که ازکارافتاده‌ها را برای خدمت به مسجد بگماریم، تحقیر این جایگاه است. عظمت این جایگاه این است که افراد بانشاطی را برای خدمت به مسجد بگماریم و متولیان مساجد حقوق مناسب هم برای این‌ها تدارک ببینند. به‌عبارت دیگر به خادمان مسجد حقوق مناسب بدهند و کار مناسب بخواهند. بر این باورم آیین‌نامه‌هایی بنویسند که خادم مسجد چه وظایفی دارد. ای کاش! یک تشکیلات جامعی در باب مساجد می‌داشتیم که هم در رابطه با امامان محترم جماعت، هم در رابطه با بسیج مسجد، هم در رابطه با کانون فرهنگی مساجد و هم در رابطه با هیأت امنا وظایف را تعیین می‌کردند.

▣ **امام جماعت به‌تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، مدیر طبیعی مسجد است. برای آن‌که بتوانیم مسجدی در تراز انقلاب اسلامی داشته باشیم، نیازمند هماهنگی ارکان مسجد؛ یعنی امام جماعت، هیات امنا و خادمان در این زمینه هستیم. به نظر حضرت‌عالی ویژگی امام جماعت در مسجد تراز انقلاب اسلامی چیست؟ همچنین این ارکان مدیریتی مسجد گاهی با چالش‌ها و معضلاتی در اداره مسجد مواجه می‌شوند. برای عبور از این مشکلات چه توصیه و پیشنهادی دارید؟**

● این‌که به‌تعبیر مقام معظم رهبری امام جماعت، مدیر طبیعی مسجد است، سخن درستی و حکیمانه‌ای است که به هرحال امام جماعت بدون آن‌که نمازگزاران به او جایگاه مدیریت بدهند، جایگاه مدیریت را دارد. ثانیاً این‌که ارکان مسجد را امام جماعت، هیأت امنا و خادمان ذکر کردید به نظر می‌رسد که بیان کاملی نیست. بسیج هم از ارکان مسجد است، کانون فرهنگی مساجد هم، از ارکان مسجد است. ارکان که می‌گویم، مقصودم نقش داشتن است. هیأت امنا نقش دارند. خادمان خدمت‌گزاران و همراهان مسجد هستند و چیزی که باید از ارکان حساب کنیم، نمازگزاران هستند. این‌که همه را از ارکان حساب کنیم و نمازگزاران را از ارکان حساب نکنیم، درست نیست. اصلاً تمام این‌ها، امام جماعت، بسیج، کانون فرهنگی، هیأت امنا، همه این‌ها خادمان مردم هستند.

مطلبی که در اینجا وجود دارد، این است که باید برای تمام این آیین‌نامه نوشته شود؛ آیین‌نامه‌ای که عمل به آن بر همگان الزامی باشد. ثانیاً باید برای مسأله امامان جماعت هم، آیین‌نامه قوی نوشته شود. بر این باورم که کار امامت جماعت را باید یک کار دید. این‌که امام جماعت فقط نماز جماعت برگزار کند و برود، این مسجد سامان پیدا نمی‌کند. بر این باورم که امام جماعتی که مسجد را برای خودش کار نمی‌بیند، محض در برنامه‌ریزی نمی‌شود. یک امام جماعت اهل برنامه‌ریزی باید برای جوانان و نوجوانان نیز تدبیر داشته باشد.

امام جماعت باید مدیریت فرهنگی مسجد را جدی بگیرد. مدیریت فرهنگی هم این نیست که خودش همه کارها را انجام بدهد و مدام سخنرانی کند. مقصود آن است که او مسائل فرهنگی را سامان دهد. گاه خودش و گاه دیگری را دعوت کند که این تنوع، نشاط‌آور است. پاسخ به شبهات یک وظیفه امام جماعت است؛ شبهات اعتقادی، شبهات سیاسی، شبهات اخلاقی؛ و کسانی را به مسجد بیاورد که از عهده پاسخ برآیند و شبهه‌زدایی کنند؛ نه شبهه‌زایی و این، نقش امام جماعت است.

ارکان دیگر هم همین‌طور هستند؛ مثلاً در هیأت امنا فقط پولدار بودن ملاک نباشد که البته خیلی جاها هم این ملاک نیست. یکی هست که وضعیت مالی خوبی دارد،

یکی هست که اهل تدبیر فرهنگی است، یکی هست که اهل برنامه‌ریزی است و می‌تواند برنامه‌ریزی داشته باشد. راجع به هیأت امنا هم کار را باید جدی گرفت. اکثر اعضای بسیج جوانان هستند. برای آن‌ها برنامه‌ریزی شود. بسیج بایستی بر اساس آیین‌نامه‌اش عمل کند، کانون فرهنگی بر اساس آیین‌نامه‌اش عمل کند. هیأت امنا و امام جماعت هم به‌همین صورت هستند. معتقدم که این تدبیرسبب می‌شود، مسجد سامان پیدا کند. اختلاف سلیقه‌ها طبیعی است؛ منتها باید کاری کرد که اختلاف سلیقه تبدیل به تفرقه نشود و این، نیاز به گفت‌وگوی صمیمانه و آیین‌نامه و قانون دارد. با این عمل می‌توان از اختلاف سلیقه‌ها استفاده بهینه کرد. اگر این اختلاف سلیقه‌ها تبدیل به تفرقه نشود، می‌تواند عامل موفقیت باشد. و اگر واقعاً اغراض شخصی و اغراض حزبی کنار برود و تنها اغراض خدایی باشد، به‌تعبیری که امام راحل ره فرمودند: «اگر تمام انبیای عظام جمع بشوند در یک شهری و در یک کشوری، هیچ‌گاه با هم اختلاف نمی‌کنند؛ برای اینکه تزکیه شده‌اند.» (صحفه امام خمینی، جلد ۱۴، صفحه ۲۹۱)، انگیزه‌های همه آن‌ها خدایی است. اگر در ارکان مساجد انگیزه‌های خدایی حاکم باشند، به نظر می‌رسد که دعواها کمتر خواهد شد و می‌توان زودتر به سامان رسید.

▣ **مسجد پایگاه اصلی و کانون بی‌بدیل تمام اجتماعات مسلمانان محسوب می‌شود؛ لذا برای رسیدن به یک مسجد تراز انقلاب اسلامی، هیأت امنای مساجد با چه ویژگی‌هایی می‌توانند، در این مسئولیت‌خطرناک نقش‌آفرینی کنند.**

● پاسخ همان است که گفتیم که تمام ارکان مسجد باید آیین‌نامه داشته باشند. هیأت امنای مساجد هم، باید آیین‌نامه داشته باشند که ظاهراً آئین نامه مکتوب دارند و هیأت امنا کسانی باشند که انگیزه و دغدغه دینی داشته باشند. برای آن‌ها مهم نباشد که خودشان مطرح شوند. برای آن‌ها این مطرح باشد که مسجد، مسجدی باشد که بیشتر متدینان و جوانان بیایند. برای آن‌ها این اهمیت داشته باشد که عوامل ایجاد جاذبه را تولید کنند و این عوامل، سبب شود که افراد بیشتری با عشق و علاقه به خداوند در این مجالس شرکت کنند، به‌خصوص با عنایت می‌گویم، عوامل جاذبه برای جوانان را بیشتر کنند. خود اهل بیت علیهم‌السلام تأکید بر حضور جوانان داشتند؛ «عَلَيْكَ بِالْأَخْدَاتِ فَإِنَّهُمُ أَشْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ»؛ بر شما باد به جوانان که این‌ها در هر خیری پیشگام هستند.

معنای این حرف این نیست که پخته‌ها و باتجربه‌ها کنار زده شوند. به این معناست که جوانان در کنار باتجربه‌ها قرار بگیرند، از آن‌ها برای اداره آینده مسجد تجربه بیاموزند.

به‌هرحال «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ يُدْأَوْنَهَا بَيْنَ النَّاسِ»^۲

به‌طور طبیعی سن انسان که بیشتر شد، حوصله‌ها کمتر می‌شود، دقت‌ها کمتر می‌شود و نیاز است که جایگزینی‌ها صورت بگیرد. هیچ‌کسی از جوان‌گرایی افراطی دم نمی‌زند. آن‌چنان‌که تنها میدان دادن به مسن‌ترها را هیچ‌کس سازنده نمی‌داند. هر دو باید با هم باشند. در حکمت ۸۶ نهج‌البلاغه هست که مولا علی علیه‌السلام فرمود: «رَأَى الشَّيْخَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ جَلَدِ الْعُلَامِ»؛ اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایندتر است؛ یعنی به تجربه باشد و هم نشاط جوان باشد.

▣ **یکی از کارکردهای مهم مسجد، کارکرد تربیت و جذب جوانان و نوجوانان می‌باشد. حضرت‌عالی چه راهبردها و راهکارهای علمی و عملی برای جذب هرچه بیشتر جوانان به مسجد را پیشنهاد می‌فرمایید؟ به‌عبارت دیگر عوامل پیوند دهنده میان مسجد و جوانان چیست؟ هیأت امنا، امام جماعت والدین در این موضوع چه وظایفی دارند؟**

● حقیقت این است که هر جایی که جوان حضور دارد، حضور او همراه با نشاط است. این جای انکار ندارد. برای جذب جوانان به مسجد، در ابتدا من پیشنهاد می‌کنم که مرکز رسیدگی به امور مساجد، نشست‌هایی در این رابطه داشته باشد و به‌خصوص امامان جماعت، تجربیات موفقشان را بگویند و اشکالی هم ندارد که تجربیات ناموفق هم گفته شود. تجربیات موفق عمل شود و به تجربیات ناموفق نزدیک نشویم.

ادامه در صفحه بعد